


The Historical-Legal Analysis of Cyberspace Filtering Regulation in IRAN

Mohammad Sadegh Nasrollahi(Ph.D.)¹

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The protection of cyberspace and the Internet, in view of its penetration rate in the individual and social life of the society, is prioritizing the regulation of governments. this regulation is in the different levels of decision making from policies to the laws and regulations in the areas of media establishment, criminality and punishment, monitoring and control, etc. One of the control tools of the sovereigns, which is a matter of precautionary prevention, is cyberspace filtering. In our country, filtering, though it is one of the most sophisticated decisions of the sovereign, is at the same time the most challenging decision. Perhaps the filtering of the Telegram is a good example. The issue of this article is that the regulation of the filtering of cyberspace in Iran has undergone an evolutionary process, and in which ways does it have strong points and weaknesses? The findings of this paper, using a descriptive-analytical method, show that cyber filtering has been accompanied by ups and downs as the fixed foot of the regulation of cyberspace has been. Among the important events of the filtering are the following: clarification of 7 legal documents for filtering, Internet starting with filtering to Iran, neglected such as the policy formulation of multi-level and home filtering since 2000, the design of a super-regulator in 2009, native approach in the filtering system in the year 2005. These phenomena and other phenomena have been attempted to be subject to legal analysis.

Keywords: Internet filtering, cyberspace filtering, internet surveillance.

1- The Associate Professor of Islamic knowledge and culture and communication, ISU, Tehran, Iran
M.nasrollahi@isu.ac.ir

تحلیل تاریخی - حقوقی تنظیم مقررات پالایش فضای مجازی در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

محمدصادق نصراللهی^۱

چکیده

سالم‌سازی فضای مجازی و اینترنت، با توجه به ضریب نفوذ آن در زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه، در اولویت تنظیم مقررات حاکمیت‌ها است. تنظیم مقرراتی که در سطوح مختلف تصمیم‌سازی از سیاست‌ها تا آیین‌نامه‌ها و با تدابیر مختلف در حوزه‌های تأسیس رسانه، جرم‌انگاری و مجازات، نظارت و کنترل و ... به دنبال تحقق فضای مجازی‌ای سالم‌تر و مناسب‌تر است. یکی از ابزار کنترلی حاکمیت‌ها که جنبه پیشگیری وضعی دارد، پالایش فضای مجازی است. در کشور ما نیز، پالایش با آنکه یکی از منضوب‌ترین تصمیم‌های حاکمیتی است؛ اما در عین حال پرچالش‌ترین تصمیم نیز به حساب می‌آید. شاید پالایش پیام‌رسان اجتماعی تلگرام، نمونه‌ای مناسب برای آن باشد. مسئله این مقاله آنست که تنظیم مقررات پالایش فضای مجازی در ایران چه سیر تحولی را طی نموده است و در این مسیر از چه نقاط قوتی برخوردار و از چه نقاط ضعفی رنج برده است؟ یافته‌های این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که پالایش فضای مجازی، در عین حال که پای ثابت تنظیم مقررات فضای مجازی بوده؛ اما با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است. از جمله اتفاق‌های مهم پالایش می‌توان به مواردی همچون: تصریح ۷ سند حقوقی به پالایش، ورود اینترنت همراه با پالایش به ایران، مغفول ماندن اجرای پالایش چندسطحی و خانگی از سال ۱۳۷۹، طراحی رگولاتور فراقوه‌ای در سال ۱۳۸۸، بومی‌گرایی در سامانه پالایش در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد. تلاش شده که این پدیده‌ها و پدیده‌های دیگر مورد تحلیل حقوقی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

پالایش اینترنت، قانون جرائم رایانه‌ای، پالایش فضای مجازی.

۱- دانشیار معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

مقدمه

سالم‌سازی فضای مجازی به معنای انطباق این فضا با نظام حقوقی و ارزشی جامعه، دغدغه تمامی حکومت‌ها است. بر همین اساس، در بسیاری از کشورها بسته‌های حقوقی مختلفی اعم از سیاست، قانون و آیین‌نامه طراحی و اجرا می‌شود. بسته‌هایی که از ایجابی‌ترین و فعال‌ترین اقدامات تا سلبی‌ترین و منفعل‌ترین آنها را شامل می‌شود. کشور ما نیز به عنوان یک کشور اسلامی نه تنها از این رویه مستثنی نیست بلکه جزء طلایه‌داران آن به حساب می‌آید.

در میان تمامی ابزارها و گزینه‌های سالم‌سازی فضای مجازی، پالایش یکی از مصادیق بارز آن به حساب می‌آید. امروزه شاید نتوان کشوری را ذکر کرد که هیچ‌گونه اعمال پالایشی در آن رخ نمی‌دهد. پالایش به عنوان یک ابزار پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم و جنایت در دستور کار تمامی حاکمیت‌ها است. آنچه که تمایز و تفاوت کشورها به حساب می‌آید، کم‌وکیف محتوای فیلتر شده و روش اعمال آن است.

در کشور ما نیز همان‌طور که در این مقاله گفته خواهد شد، سیاست و اقدام پالایش، عنصر ثابت سالم‌سازی فضای مجازی بوده است؛ به طوری که هرچند ابتدایی، ورود اینترنت مقرون با خرید نرم‌افزار پالایش بوده است. علی‌رغم این ثبات قدم؛ اما همواره این تصمیم حاکمیتی مورد چالش و هجمه بوده است و هر از گاهی فضای عمومی جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که بررسی تبار حقوقی پالایش فضای مجازی به همراه تحلیل نقاط قوت و ضعف آن می‌تواند تصویری روشن از ماهیت امروزی آن ارائه نماید. سؤال اصلی این مقاله آنست که تنظیم مقررات پالایش فضای مجازی در ایران چه سیر تحولی را طی نموده است و در این مسیر از چه نقاط قوتی برخوردار و از چه نقاط ضعفی رنج برده است؟

در جهت پاسخ به این سؤال، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا ذیل بخش چهارچوب مفهومی دو اصطلاح پالایش فضای مجازی و تنظیم مقررات تعریف می‌شود، پس از آن ذیل عنوان تحلیل تاریخی-حقوقی به اسناد حقوقی ناظر به پالایش می‌پردازیم و در نهایت نیز در مقامه جمع‌بندی به اصلی نکات برآمده از این تحلیل اشاره می‌نماییم.

۱- چهارچوب مفهومی

این مقاله دو کلیدواژه تنظیم مقررات و پالایش فضای مجازی دارد که در این بخش تلاش می‌شود، منظور نگارنده از آنها مشخص شود:

۱-۱- تنظیم مقررات^۱

برای واژه «رگولیشن»، معادل‌های فارسی متنوعی به کار رفته است، مانند: تنظیم مقررات، مقررات‌گذاری، ساماندهی حقوقی، نظام‌دهی، تنظیم‌کنندگی و ... در نتیجه، در این زمینه اتفاق نظری وجود ندارد. همین عدم وجود اتفاق نظر، در معنای لغوی و اصطلاحی آن نیز مشاهده می‌شود. مراجعه به لغت‌نامه‌های معتبر و مشهور انگلیسی، نشان از تنوع معنایی این واژه از مفهوم ابزار سنجش دما و سرعت تا مفهوم قانون رسمی یک کشور دارد.

برای تنظیم مقررات از نظر لغوی، در لغتنامه آکسفورد، سه معنا ذکر شده است: ۱- قانون رسمی‌ای که توسط دولت یا برخی مقام‌های صلاحیت‌دار دیگر وضع شده است؛ ۲- نظارت و کنترل برخی موارد از طریق قوانین؛ ۳- شخص یا سازمانی که به‌طور رسمی حیطه‌ای از تجارت و صنعت را نظارت می‌کند تا مطمئن شود به‌خوبی عمل می‌کند. (Wehmeier, 2005, p. 1275). در لغتنامه وبستر نیز، مشابه لغتنامه آکسفورد بر دو معنا تأکید دارد: ۱- تنظیم مقررات به‌عنوان قانون یا مقرر شده از سوی مقام صلاحیت‌دار؛ ۲- عمل صدور قانون و مقرر (Costello, 1992, p. 1135) که ناظر به دوگانه اول در تعریف پیشین است. در لغتنامه لانگمن نیز چهار معنا آمده است: ۱- یک دستور یا قانون رسمی؛ ۲- نظارت بر هر چیز به ویژه از طریق قوانین؛ ۳- شخصی که مطمئن می‌شود، سیستم درست عمل می‌کند و ۴- ابزاری برای کنترل دما و سرعت و ... (Summers, 2008, p. 1382).

در یک جمع‌بندی از بررسی لغوی واژه رگولیشن یا همان تنظیم مقررات می‌توان گفت که گستره مفهومی واژه وسیع است و می‌توان دوگانه‌های ذیل را در مورد آن مطرح کرد:

- عمل تدوین و تصویب متن حقوقی است یا خود متن حقوقی؟ (فرایند-محصول)
- قانون به‌معنای عام است (صادر شده از سوی هر مقام صلاحیت‌دار) یا آیین‌نامه

1. Regulation.

به معنای خاص (از سوی قوه مجریه)؟ (تقنین-اجرا)

- ناظر به کنش نظارت است یا کنشگر نظارت؟ (نظارت-نظارت‌کننده)
- صرفاً نظارت و کنترل به عنوان امری انفعالی است یا ایجاد و تغییر را هم به عنوان امری فعال شامل می‌شود؟ (منفعل-فعال)
- یک شخص متصدی امر نظارت است یا یک سازمان؟ (شخصی-جمعی)
- منحصر به نظارت بر سازمان‌ها و نهادهای صنعتی و تجاری است یا فراتر از آن هر نوع سازمانی؟ (اقتصادی-فرا اقتصادی)
- ابزار کنترلی در امور فیزیکی است یا ساختاری کنترلی در امور اجتماعی؟ (فیزیکی-اجتماعی)

از حیث اصطلاحی نیز علوم مختلف، این واژه را در ساحت علمی خود با معنای خاص خود به کار برده‌اند؛ اما شاید بتوان گفت که کاربرد غالب تنظیم مقررات در دو عرصه علم اقتصاد و علم حقوق است. در ادبیات اقتصادی، به طور کلی سه تعریف از تنظیم مقررات آمده است: «در حالت بسیار محدود، تنظیم مقررات نوعی از حکمرانی تلقی می‌شود که مقرراتی به منظور نظارت و هدایت بازار توسط سازمان‌های دولتی اعمال می‌شود. در تعریف وسیع‌تر از تنظیم مقررات همه‌گونه تلاش‌های دولت به منظور هدایت بازار شامل تنظیم مقررات می‌شود. این تعریف در عین حال دربرگیرنده تعریف اول نیز می‌شود، چراکه علاوه بر نظارت، فعالیت‌هایی همچون مالیات‌گذاری، یارانه‌دهی، بازار توزیع و مالکیت دولتی همه در حوزه تنظیم مقررات قرار می‌گیرد. تعریف سوم از تنظیم مقررات باز هم حوزه آن را وسیع‌تر می‌داند و در برگیرنده همه گونه سلزوک‌های کنترل اجتماعی اعم از آگاهانه، تعمدی یا غیرتعمدی می‌شود» (Baldwin, 1998) به نقل از هادی‌فر، ۱۳۸۹، ۳۲).

در علم حقوق، تنظیم مقررات یا همان مقررات‌گذاری به دو معنای عام و خاص آمده است. معنای عام تنظیم مقررات، هم‌معنا با تعریف عام قانون است. در تعریف عام چنین آمده است: «اعمال قوانین و مقررات از سوی دولت [حاکمیت] و ضمانت اجرایی گذاشتن برای این قوانین» (Baldwin, 1999) به نقل از هادی‌فر، ۱۳۸۹، ۳۲؛ اما مقررات به معنای خاص، به کلیه قواعد حقوقی لازم‌الاجرا و دارای ضمانت اجرایی گویند که ذیل قوانین عادی تعریف

شده و در جهت عملیاتی شدن و پیاده‌سازی آنها تدوین و تصویب می‌شوند. معمولاً احکام و نظام‌نامه‌های قوه مجریه که در عرف اداری ما تصویب‌نامه و آیین‌نامه و بخش‌نامه نامیده می‌شود، مصداق بارز مقررات به معنای خاص است. «البته مقررات بدین معنا دارای درجه‌های گوناگونی است چنان‌که بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که به امضای یکی از وزرا یا استانداران می‌رسد، نباید با تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران مخالف باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

۱-۲- پالایش فضای مجازی

منظور اصطلاحی این مقاله از واژه پالایش، معناشناسی رایج آن در «علوم رایانه‌ای» و «فناوری اطلاعات» است؛ زیرا این دانش، علم مادر به‌کاربرنده آن در حوزه فضای مجازی و فناوری اطلاعات است. در واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشاهده شد که پالایش اطلاعات به معنای «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات ناخواسته در یک مسیر اطلاعاتی» است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، دفتر ششم: ۵۷). از این تعریف چند نکته قابل استنتاج است: ۱- پالایش از جنس سلب، ممانعت، محدودیت و نفی است و جنبه ایجابی ندارد. ۲- این سلب و جلوگیری نسبت به اطلاعات ناخواسته اعمال می‌شود. اصطلاح داده یا اطلاعات ناخواسته، ناظر به نیت، هدف و غرض پالایش‌کننده است. یعنی او ملاک‌ها و معیارهایی دارد که بر اساس آن اجازه نمی‌دهد اطلاعاتی عبور کند؛ پس پالایش امر صرفاً فنی نیست بلکه غرض نیروی انسانی در آن لحاظ شده است. ۳- طبق این تعریف، پالایش در مسیر جابه‌جایی اطلاعات است. همان چیزی در علم ارتباطات به نام «مجرا» شناخته می‌شود.^۲

برخی تعاریف اصطلاحی علم رایانه، پالایش را به دو معنای عام و خاص به‌کار برده‌اند. معنای عام پالایش عبارت است از: فناوری‌هایی که از دستیابی به انواع خاص اطلاعات یا بسته‌های ویژه‌ای از محتوای اینترنتی در دسترس، جلوگیری به عمل می‌آورد؛ اما تعریف

1. Channel

۲. بنابراین، طبق این تعریف، پالایش در مرحله تولید اطلاعات توسط «ارتباطگر» یا «فرستنده» اعمال نمی‌شود. همچنین پالایش در مرحله دریافت اطلاعات توسط «ارتباطگیر» یا «گیرنده» پیاده نمی‌شود.

خاص پالایش عبارت است از جلوگیری از دسترسی به اطلاعات بر مبنای محتوای اطلاعات و نه آدرس تارنما (Greenfield; Rickwood & Tran, 2001, p. 5) که این معنای خاص از پالایش بیشتر در مقابل واژه «بلوک کردن»^۱ به کار می‌رود. طبق این تفکیک، ما تارنما را بلاک می‌کنیم و محتوا را پالایش. پس هنگامی که دسترسی به کل یک تارنما ممنوع شده است، در اصطلاح گفته می‌شود تارنما بلاک شده و در صورتی که بخشی از محتوای آن ممنوع شده باشد، پالایش شده است. نکات قابل برداشت از تعریف، غیر از تفکیک مذکور، عبارت‌اند از: ۱- اصل پالایش یک امر فنی است؛ لذا توجه به ابعاد فناورانه آن ضروری است. ۲- پالایش بر خلاف تعریف پیشین در مرحله دسترسی به اطلاعات و نه در مرحله انتقال، تولید و ارسال اجرا می‌شود. این بدان معناست که پالایش نسبت به ارتباط‌گیر و گیرنده اعمال می‌شود. بر این اساس اطلاعات به صورت کلی در جریان است، به محض درخواست دریافت محتوایی خاص از سوی کاربر و ارتباط‌گیر، پالایش اعمال می‌شود. ۳- فیلترینگ ناظر به اطلاعاتی است که در بستر اینترنت است و نه شبکه‌های دیگر.

در جمع‌بندی از تعاریف موجود اصطلاحی «پالایش» می‌توان گفت که آنچه همه تعاریف بر آن متفق‌اند آن است که جنس تعریف پالایش و ماهیت اصلی آن، نفی و سلب است. اساساً پالایش، نوعی محدودیت، ممانعت، اجتناب، جلوگیری و حتی حذف به‌شمار می‌آید. در واقع اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم پالایش بسان صافی‌ای که آب و مواد دیگر را تصفیه می‌کند و ناخالصی‌های آن را می‌گیرد، فضای مجازی را تصفیه و ترویج می‌کند و در این جهت تلاش دارد ناخالصی‌های آن را بگیرد و آن را خالص کند. این ماهیت سلبی پالایش به‌طور خاص تمایز آن را با اقدام‌های ایجابی مانند تولید محتوای بومی و ... در جهت سالم‌سازی فضای مجازی نشان می‌دهد. در پایان اگر بخواهیم تعریف نهایی اصطلاحی مرسوم و موجودی ارائه کنیم، باید گفت که پالایش عبارت است از: «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی».

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که غرض از «تنظیم مقررات پالایش فضای مجازی»،

1. Blocking

کلیه سیاست‌ها، قوانین و مقررات حاکم بر جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه است که توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی وضع و اجرا می‌شود.

۲- تحلیل تاریخی - حقوقی

در این بخش تلاش می‌شود که مسئله این مقاله پاسخ داده شود و به شکل تاریخی و تحلیلی، نوع ورود و تصمیم‌گیری حاکمیت در مقوله پالایش فضای مجازی ترسیم شود.

۲-۱- ورود اینترنت به ایران (۱۳۶۹)

ورود اینترنت به ایران را باید مرهون تلاش‌های «مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات» که در سال ۱۳۶۹ به‌عنوان نماینده ایران در شبکه آموزش و پژوهش اروپا پذیرفته شده بود، دانست که در پی این پذیرش، در سال ۱۳۷۰ اولین ارتباط ایران از طریق ماهواره و به صورت ایمیلی با اتریش برقرار شد (شرکت امن‌افزار گستر شریف، ۱۳۸۷، ف ۱، ج ۱، ص ۱۳). پس از آن، در سال ۱۳۷۱ چند دانشگاه ایران مانند دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه گیلان از طریق پروتکل UUCP و به واسطه مرکز تحقیقات فیزیک نظری به اینترنت وصل شدند. در همان سال، همین مرکز به شبکه بیت‌نت متصل شد و بر همین اساس، ایران به‌عنوان دومین کشور خاورمیانه به اینترنت وصل گردید (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۷۲۲).

دغدغه پالایش فضای مجازی از بدو ورود به اینترنت وجود داشته است، به طوری که مرکز تحقیقات فیزیک نظری به‌عنوان اولین ارائه‌کننده خدمات اینترنتی در ایران و به‌طور خاص به دانشگاه‌های کشور، از همان ابتدا از نرم‌افزار WebSense استفاده کرده است (شرکت امن‌افزار گستر شریف، ۱۳۸۷، ف ۱، ج ۱، ص ۲۴)؛ بنابراین می‌توان گفت که دغدغه پالایش از همان بدو ورود اینترنت به کشور عملیاتی شده و از طریق نرم‌افزار خارجی اعمال گشته است.

۲-۲- ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای (۱۳۷۷)

اولین سند سیاستی مهم در عرصه پالایش «سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در

بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» ابلاغی از سوی رهبری در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۱ می‌باشد. این ابلاغیه، اگرچه صراحتی در به‌کارگیری لفظ پالایش ندارد؛ اما در دو بند از بندهای هفت‌گانه خویش به شکل تلویحی دلالت‌هایی دارد:

- در بند اول آن به‌عنوان سیاست نظام چنین آمده است: «ایجاد، ساماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و اعمال تدابیر و نظارت‌های لازم به‌منظور صیانت از امنیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جلوگیری از جنبه‌ها و پیامدهای منفی شبکه‌های اطلاع‌رسانی.» به یقین می‌توان پالایش را مصداقی از تدبیر و نظارتی دانست که به منظور صیانت از امنیت فرهنگی و... به‌کار گرفته می‌شود. همچنان که با توجه به مفهوم‌شناسی پالایش، جلوگیری کردن و اجتناب از انتقال اطلاعات نامناسب که دارای جنبه‌ها و پیامدهای منفی است ماهیت پالایش می‌باشد.
- در بند پنجم نیز ذکر شده است: «ایجاد و تقویت نظام حقوقی و قضائی متناسب با توسعه شبکه‌های اطلاع‌رسانی به‌ویژه در جهت مقابله کارآمد با جرائم سازمان‌یافته الکترونیکی.» اگر پالایش را به‌عنوان پیشگیری وضعی از وقوع جرم تلقی کنیم، می‌تواند نمونه‌ای از مقابله کارآمد با جرائم در نظر گرفته شود.

بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که اگرچه این سند، تصریحی بر واژه پالایش ندارد؛ اما دلالت‌های ضمنی بر آن دارد. در عمل نیز سند مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی (آیین‌نامه دال) که تکلیف پالایش را تا سال ۱۳۸۸ مشخص می‌کند بر اساس این سند بالادستی نگاشته شده است.

۲-۳- تصویب راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور (۱۳۷۹)

دومین سند حقوقی که می‌توان گفت تصریحاً به پالایش پرداخته است، سند «راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور» مصوب شورای عالی اطلاع‌رسانی مورخ ۱۳۷۹/۲/۷ است. در ماده ۸ آن چنین آمده است: «برای هدایت و استفاده صحیح، سیاست‌های تشویقی و بعضاً سوبسیدی ارجح بوده و روش‌های نظارت و کنترل

قانون‌مند باشد». طبق این ماده، اولاً سیاست‌های اجاب‌ی و تشویقی اولویت داشته و بر آن تصریح شده؛ ثانیاً بر قانون‌مند بودن روش‌های نظارتی و کنترلی که پالایش بخشی از آن است، تأکید شده است. به بیان دیگر تلاش شده که بحث پایش و پالایش مورد سوءاستفاده قرار نگیرد؛ اما در ماده ۹ این سند، به صراحت از لفظ فیلترسازی استفاده شده و این‌گونه آمده است که: «به منظور احتراز عملی از آسیب‌های احتمالی، اقدام همه جانبه برای تدوین ضوابط فیلترسازی و کنترل همراه با تمهید ابزار لازم به عمل آید؛ کنترل در سه سطح باید سازماندهی شود: ۱-۹- در سطح ملی-حاکمیتی، نقطه تماس بین‌المللی به صورت متمرکز در مخابرات کشور خواهد بود و کنترل‌های کلان در اینجا صورت می‌گیرد، جزئیات این امر توسط کمیسیون نظارتی منتخب در شورای عالی تهیه و با تصویب شورای عالی برای اجرا ابلاغ می‌گردد. ۲-۹- در سطح شرکت‌ها و مؤسسات ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت (رسا) ضوابط فیلترسازی و رعایت نکات کنترلی تدوین، و برای به کارگیری ابلاغ گردد. ۳-۹- در سطح کاربران و خانواده‌ها: می‌توانند در صورت تمایل از نرم‌افزارهای کنترل و فیلتر که به‌طور رایگان توسط مخابرات و یا رساها همراه با آموزش ارائه می‌گردد».

بسیار جالب است که اولین سند حقوقی که برای پالایش نگاشته شده، اساساً پالایش را امری چندسطحی و چندلایه دیده است و پالایش متمرکز حاکمیتی و ملی را تنها بخشی از یک برنامه جامع‌تر و نه تمام آن می‌داند. جالب‌تر آنکه در سطح دوم و به‌ویژه در سطح سوم، نقش بخش خصوصی، مردم و خانواده‌ها دیده شده و مقرر گشته به صورت رایگان و داوطلبانه، خدماتی در این زمینه به خانواده‌ها و کاربران ارائه شود. تصمیمی که هیچ‌گاه تا به امروز به‌طور جدی پیگیری نشده و آنچه که از عرصه عملیاتی پالایش دیده می‌شود تنها سطح اول ملی و حاکمیتی آن است.

۲-۴- تصویب مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای (۱۳۸۰)

اما تا پیش از تصویب قانون جرائم رایانه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۸، یکی از اصلی‌ترین اسناد حقوقی مرجع در حوزه پالایش، سند «مقررات و ضوابط

شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۱۵ می‌باشد.^۱ این سند دارای سه آیین‌نامه با عناوین ذیل است:

- الف- آیین‌نامه نحوه اخذ مجوز و ضوابط فنی نقطه تماس بین‌المللی
 - ب- آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا (ISP)
 - ج- آیین‌نامه دفاتر خدمات حضوری اینترنت (Coffeenet)
- تنها در دو آیین‌نامه اول در موادی به پالایش اینترنت پرداخته شده است و آیین‌نامه سوم در این زمینه مسکوت است:

• در ماده ۶، آیین‌نامه الف چنین آمده است: «کلیه ایجادکنندگان نقطه تماس بین‌المللی (از جمله شرکت مخابرات ایران) موظف می‌باشند تا امکانات فنی لازم در حفاظت و کنترل متمرکز از شبکه‌های مزبور به شرح ذیل را فراهم آورند: الف- سیستم پالایش (Filtering) مناسب به منظور ممانعت از دسترسی به پایگاه‌های ممنوع اخلاقی و سیاسی و حذف ورودی‌های (Port) غیرمطلوب. تعیین ضوابط پالایش (Filtering) توسط کمیسیون راهبردی شورای عالی اطلاع‌رسانی صورت خواهد گرفت. ب- سیستم بارو (Firewall) مناسب به منظور صیانت شبکه‌ها از تخریب، فریب و سرقت اطلاعات. ج- دایرکننده نقطه تماس بین‌المللی اینترنتی موظف است بانک فعالیت‌های اینترنتی کاربران خود را قابل دسترسی وزارت پست و تلگراف و تلفن قرار دهد تا براساس ضوابط و مصوبات شورای عالی امنیت ملی با حکم قاضی ذریب حسب درخواست در اختیار وزارت اطلاعات قرار گیرد. د- امکان جلوگیری از برقراری ارتباطات غیرمتعارف، نظیر ارتباطات غیرمتقارن و ارتباطات غیرمستقیم در موارد غیرمجاز (پیشکار - ProxyServer)».

چند نکته از این ماده قابل توجه است: ۱- بین پالایش محتوای ممنوع اخلاقی و سیاسی و محتوای ممنوع فنی تفکیک شده است. در این جهت برای مقابله با پایگاه‌های ممنوع اخلاقی و سیاسی از لفظ پالایش و برای مبارزه با تخریب، فریب و سرقت اطلاعات، لفظ

۱. این سند طی شش جلسه یعنی از جلسه ۴۸۲ تا ۴۸۶ و جلسه ۴۸۸ به تصویب رسیده است.

۲. شرکت ارتباطات زیرساخت امروزی.

بارو استفاده شده است. این تفکیک از نظر فناورانه و ساختاری می‌تواند معنادار باشد. ۲- به‌طور تلویحی، بند الف به نوع فهرست تهیه شده و حتی عملکرد اعمال پالایش اشاره دارد. آنجا که از لفظ «پایگاه‌ها» استفاده می‌کند و همچنین بعد از آن، واژه «ورودی‌های غیرمطلوب» به‌گونه‌ای اشاره دارد که آنچه در مرحله پایش فهرست می‌شود، نام دامنه و پورت است. ۳- در بند ج به مقوله پایش پسینی و رویدادنگاری توجه شده و البته بر ضوابط دسترسی به اطلاعات کاربران نیز تأکید گردیده است. نکته قابل تأمل آنست که رویدادنگاری محدود به ثبت فعالیت‌های کاربران شده و نوع واکنش سامانه مورد توجه قرار نگرفته است. ۴- در همین ماده، بحث مقابله با پالایش‌گریزها در بند دال تحت عنوان جلوگیری از ارتباطات غیرمتعارف، غیرمتقارن و غیرمستقیم آمده است.

- در ماده ۳-۳-۵، آیین‌نامه ب اینگونه آمده است: «امکان و اعمال برقراری پالایه (filter) در شبکه رسا (ISP) باید فراهم باشد. ضوابط و مصادیق موارد پالایش (filtering) توسط شورای عالی اطلاع‌رسانی تصویب و اعلام می‌شود». در این ماده نیز ضرورت وجود پالایش و استقرار پالایه در رساها تصریح شده؛ اما کیفیت فنی و کیفیت محتوایی آن به تصویب و اعلام شورای عالی اطلاع‌رسانی احاله داده شده است.
- در ماده ۳-۵-۱۶ آیین‌نامه ب چنین مطرح شده که: «رسا (ISP) موظف است بانک فعالیت‌های اینترنتی کاربران خود را مطابق ضوابط مصوب کمیسیون راهبردی قابل دسترسی وزارت پست و تلگراف و تلفن قرار دهد». در این ماده نیز مانند ماده ۶ آیین‌نامه الف، موضوع پایش پسینی و رویدادنگاری محدود به ثبت فعالیت‌های کاربران طرح شده است. تفاوت عمده بین این ماده و ماده پیشین در آن است که در آنجا مرجع تعیین ضوابط شورای عالی امنیت ملی می‌باشد؛ اما در اینجا کمیسیون راهبردی شورای عالی اطلاع‌رسانی انتخاب می‌شود که منطبق تفکیک روشن نیست.
- در نهایت نیز محتوای ممنوع توسط شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای در ماده ۶ آیین‌نامه ب و ماده ۷ آیین‌نامه ج در ۲۲ بند آمده است. نکته قابل تأمل آنست که محتوای ممنوع صرفاً در مورد رساها و کافی‌نت‌ها مطرح است و ایجادکننده نقطه

تماس بین‌المللی مستثنی شده است؛ این در حالی است که رسالت پالایش بر عهده این نهاد نیز می‌باشد.

از مجموع موارد مرتبط با پالایش در سند «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که: اولاً پالایش در این سند، دو لایه‌ای یا دوسطحی دیده شده است، در یک سطح برقرارکننده نقطه تماس بین‌المللی پالایش می‌کند و در یک سطح دیگر رساها. این در حالی است که در شورای عالی اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۷۹، پالایش سه لایه‌ای دیده شده بود و نقش کاربران نیز مورد توجه بوده که در اینجا مورد غفلت قرار گرفته است. ثانیاً نسبت میان این دو لایه پالایشی مشخص نیست و شائبه موازی‌کاری را متبادر به ذهن می‌کند. ثالثاً در مواردی، بحث تعیین ضوابط جزئی‌تر به شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی اطلاع‌رسانی احاله داده شده که این امر هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده است و همان‌طور که در ادامه مشاهده می‌شود در سال ۱۳۸۲ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تشکیل «کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز» عملاً این نهاد مرجع تعیین ضوابط فنی و مصادیق مجرمانه پالایش می‌شود. رابعاً، برخلاف کشورهایمانند چین، مقوله پالایش در مورد کافی‌نت‌ها به‌کلی مورد غفلت واقع شده است.

۲-۵- تشکیل «کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز» (۱۳۸۱)

شورای عالی انقلاب فرهنگی، تقریباً یک‌سال بعد از مصوبه مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای در مصوبه‌ای به شماره ۴۲۷۴/د مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۹ با عنوان «تشکیل کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز»، رگولاتور و ساختار نهاد اصلی متصدی پالایش در کشور را مشخص کرد.^۱ در این مصوبه تک‌ماده‌ای چنین آمده است که:

«به‌منظور صیانت از فرهنگ ملی و اسلامی، کمیته‌ای مرکب از نمایندگان وزارت

۱. این مصوبه در جلسه ۵۰۹ (۱۳۸۱/۱۰/۱۰) شورا به تصویب رسیده است.

اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما با مسئولیت نماینده وزارت اطلاعات تشکیل می‌شود. این کمیته مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز را تعیین و به وزارت پست و تلگراف و تلفن ابلاغ خواهد کرد.»

بعدها شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۲۶ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۵ نماینده دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نماینده سازمان تبلیغات اسلامی را به‌عنوان دو عضو جدید کمیته تعیین مصادیق منصوب کردند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بحث پالایش بعد از تصویب این سند است که به شکل جدی در یک کمیته ۵ نفره به‌عنوان نهاد تعیین‌کننده مصادیق غیرمجاز پیگیری می‌شود.

مشکل حقوقی این کمیته این بود که از یک طرف تعیین مصادیق قانون و منع حق انتشار و دسترسی، علی‌القاعده یک تصمیم قضائی است؛ آنچنان که یک قاضی نیز در تمام مراحل رسیدگی سعی در مصداق‌یابی قوانین موضوعه دارد. از طرف دیگر کمیته تعیین مصادیق نه‌تنها از حیث اعضاء لزوماً متخصص در حیطه قضا نیست بلکه اصول اولیه رسیدگی قضائی را نیز رعایت نمی‌نماید (شرکت امن‌افزار گستر شریف، ۱۳۸۷، ف ۱، ج ۲، گ ۲: ۲۸). یکی از نکات مغفول در عملکرد کمیته مذکور نیز، مشخص نبودن تشریفات رسیدگی بر تخلفات است. موارد مهمی مانند آیین احراز تخلف، ابلاغ، اخطار و مهم‌تر از همه امکان اعتراض و تجدیدنظر باید ضابطه‌مند می‌بود و ضمن آنکه غرض از انسداد تارنماهای متخلف تأدیبات ایشان است، باید این حکم دارای زمان مشخص بوده و در صورت رفع تخلف، توقیف تارنما لغو می‌گردید (شرکت امن‌افزار گستر شریف، ۱۳۸۷، ف ۱، ج ۲، گ ۲: ۲۸).

همین دو مشکل و مسائل دیگر بود که موجب شد، یک‌سال بعد از تشکیل این کمیته، یعنی «از سال ۱۳۸۲ دفتر اینترنت دادستانی در تهران، به جمع مراجع پالایش کشور می‌پیوندد. عمده مصادیق مورد توجه آن، موضوع‌های مستهجن و مبتذل بوده و مستند آن نیز ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. این دفتر به شرکت فناوری اطلاعات آن زمان به‌عنوان مجری پالایش کشور، دستورات قضائی ابلاغ می‌کند. همچنین، برای اجرایی کردن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای هماهنگی و نظارت بر اینترنت نیز تأسیس شده و برای اینکه ناهماهنگی‌های احتمالی رفع و در عین حال

تشریفات قضائی رعایت شود، کمیته تعیین مصادیق نیز تصمیمات خود را از طریق این دفتر به شرکت فناوری اطلاعات ابلاغ می‌کند. از سوی دیگر، با وجود اینکه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی فاقد ضوابط راجع به تجدیدنظرخواهی است، ولی این دفتر با اتکا به اختیارات قضائی خود به اعتراض‌های پالایش رسیدگی کرده است» (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص. ۱۸).

۲-۶- تصویب قانون گسترش راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب (۱۳۸۴)

قانون^۱ «گسترش راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴/۱۰/۱۳) اگرچه موضوعش، پالایش نیست؛ اما به دلیل ماهیت اخلاقی عفاف و حجاب و نوع تأثیری که فضای مجازی و اینترنت بر آن دارد، وظایفی را برای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مشخص کرده که مرتبط با پالایش است، از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مسدود کردن تارنماهای ضد اخلاقی و ضد حجاب بر اساس مصوبات کمیته پنج‌نفره مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 - تأکید بر تسریع در ایجاد سیستم پالایش هوشمند برای جلوگیری از افزایش بی‌بندوباری در جامعه.
 - ارائه گزارش شش‌ماهه به کمیته [تعیین مصادیق] در خصوص میزان رجوع کاربران به تارنماهای اینترنتی ضد اخلاقی.
 - برخورد با مؤسسات اینترنتی که دسترسی به تارنماهای غیرمجاز را فراهم می‌کنند و جلوگیری از فعالیت‌ها آنها.
 - ارائه نرم‌افزارهای مرتبط ارزان‌قیمت به خانواده‌ها به منظور جلوگیری از دسترسی به تارنماهای ضد اخلاقی.
- چند نکته در این مصوبه قابل توجه است: اول آنکه تسریع در راه‌اندازی پالایش هوشمند مورد تأکید است که امروزه شاهد راه‌اندازی آن بعد از حدود ۱۰ سال هستیم.

۱. قانون در اینجا به معنای عام آن به کار رفته است.

شاید بتوان گفت که تنها سند حقوقی یافت شده که نامی از اصطلاح پالایش هوشمند در آن برده شده، این قانون می‌باشد. دوم آنکه، به مقوله پالایش از حیث آمارگیری میزان رجوع به محتوای ضداخلاقی توجه شده که نکته‌ای درخور توجه و قابل تقدیر است. سوم آنکه، علاوه بر پالایش و پالایش بر برخورد کیفری با ارائه‌دهندگان و فروشندگان پالایش‌گریزها تأکید شده است که می‌تواند با توجه به چالش‌های حقوقی جرم‌انگاری پالایش‌گریزی، مستمسک حقوقی قرار بگیرد. نهایت آنکه در این قانون نیز مانند سند «راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور» به سطح کاربری در پالایش توجه شده است و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را ملزم به ارائه نرم‌افزارهای ارزان قیمت پالایش خانگی کرده است؛ الزامی که هیچ‌گاه تحقق نیافته است.

۲-۷- تصویب آیین‌نامه تأمین، توزیع و عرضه خدمات اینترنت و اینترنت ملی (۱۳۸۵)

این آیین‌نامه مصوب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، مورخ ۱۳۸۵/۵/۱ می‌باشد. ورود این آیین‌نامه به بحث پالایش شامل دو بخش می‌باشد؛ ابتدا دو اصطلاح پالایش و پالایه را تعریف کرده و سپس به شکل اجمالی بازیگران توزیع اینترنت در کشور را ملزم به پالایش و نصب پالایه نموده است. در بخش اول، تعاریف پالایش و پالایه به شرح ذیل است:

«۱- پالایش (فیلتر کردن): فرایندی است که برای دسته‌بندی و یا حذف بسته‌ها و یا آدرس‌های ناخواسته و یا جلوگیری از دسترسی به تارنماهای اطلاع‌رسانی به‌کار برده می‌شود که برابر تصمیم مراجع ذی‌صلاح ممنوع اعلام شده یا می‌شود.

۲- پالایه: تجهیزاتی است که عمل پالایش را انجام می‌دهد».

از این بخش دو نکته قابل استنتاج است: اول آنکه برای اولین بار، تعریفی رسمی و حقوقی از پالایش و پالایه توسط قانون‌گذار ارائه شده و این خود نکته‌ای درخور و قابل توجه است. دوم آنکه، تعریف پالایش ناظر به دو فرایند معرفی: ۱- دسته‌بندی و حذف بسته‌ها و آدرس‌های ناخواسته ۲- جلوگیری از دسترسی به تارنماهای اطلاع‌رسانی ممنوع. به هر حال عدم مواجهه با اطلاعات ناخواسته توسط کاربران حق آنها تلقی می‌شود و در این

زمینه خدمات‌دهندگان دسترسی باید اقدامات لازم را انجام دهند. در این زمینه، مقابله با اطلاعات مخرب در اولویت است. همچنین به‌طور اجمالی گفته شده که پالایش ناظر به حوزه دسترسی کاربر است؛ یعنی حوزه دسترسی کاربر محدود می‌شود. به‌نظر می‌رسد این تعریف از پالایش بسیار ناقص و مجمل است؛ به‌عنوان مثال در این تعریف فن حذف تارنما اطلاع‌رسانی ممنوع درجایی که دسترسی به میزبانی آن وجود دارد، مغفول است. تعریف پالایه نیز ناظر به سامانه و ابزارهای لازم جهت عمل پالایش است.

اما در بخش دوم، در بند ۷ و ۸ ماده ۴ چنین آمده است که:

«۷-۴- تأمین‌کننده، توزیع‌کنندگان و عرضه‌کنندگان موظفند اقدامات لازم جهت پالایش

اطلاعات غیرمطلوب را بر اساس ضوابط و مقررات قانونی انجام دهند.

۸-۴- تأمین‌کنندگان و توزیع‌کنندگان موظفند امکانات لازم جهت مدیریت و نظارت بر

پالایه منصوبه را برای سازمان فراهم نمایند».

چهار نکته در این مصوبه وجود دارد: اولاً پالایش را سه لایه‌ای در سه سطح تأمین‌کننده، توزیع‌کننده و عرضه‌کننده دیده است. ثانیاً در مورد الزام به پالایش بسیار گذرا و مبهم، پالایش اطلاعات غیرمطلوب را توسط سه لایه مذکور لازم دانسته است، بی‌آنکه نسبت پالایش در هر یک از سه لایه را مشخص کند و یا اینکه استانداردهای لازم را تشریح نماید. ثالثاً ضوابط و مقررات مذکور در بند ۷ ناظر به مصوبه مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین مصوبه تشکیل کمیته تعیین مصادیق می‌باشد. رابعاً در بند دوم برای سازمان تنظیم مقررات نقش مدیریتی و نظارتی نسبت به سامانه‌های پالایشی نصب شده در تأمین‌کنندگان و توزیع‌کنندگان قائل شده و نکته قابل تأمل آنست که عرضه‌کنندگان از این بند حذف شده‌اند!

۲-۸- تصویب آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌های پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

اینترنتی ایرانی (۱۳۸۵)

اما آخرین سند حقوقی‌ای که به‌عنوان تاریخچه پالایش در ایران مطرح می‌شود، «آیین‌نامه

ساماندهی فعالیت‌های پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی» مصوب هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۹ که با استناد به اصل ۱۳۸ قانون اساسی^۱ و مصوبات جلسات ۴۸۲ تا ۴۸۶ و ۴۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی [همان سند حقوقی مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای] تدوین شده است. هدف از نگارش این آیین‌نامه، «ساماندهی (ثبت، حمایت و نظارت) فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی در کشور» قید گشته است. در این آیین‌نامه، اولاً الگوی تأسیس رسانه بر پایه ثبت وبگاه و در جهت حمایت و نظارت از پایگاه‌های اینترنتی ایرانی دیده شده است؛ در ماده ۵ آن چنین آمده است:

«پایگاه‌ها و تارنما‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ملزم به ثبت مشخصات مربوط و ثبت هویت مدیر مسئول خود با رعایت قوانین و مقررات از جمله مقررات مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند».

ثانیاً در ماده ۶ این آیین‌نامه، وبگاه‌هایی که مشخصات خود را ثبت نکرده‌اند و در اصطلاح این آیین‌نامه «پایگاه اطلاع‌رسانی با هویت نامعلوم» هستند، مسدود می‌شوند: «پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی موضوع بند پ ماده ۱ توسط کارگروه موضوع ماده ۸ مسدود می‌شود.»

ثالثاً در ماده ۷ این آیین‌نامه مصادیق داده ممنوع احصاء شده است.

رابعاً ماده ۸ این آیین‌نامه، کارگروهی را طراحی کرده که مسئولیت مسدودسازی پایگاه‌های غیرمجاز اینترنتی را به عهده دارد:

۱. اصل ۱۳۸ بدین شرح است: «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد، هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد؛ ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد، تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

«انتشار هر نوع داده ممنوع (موضوع بند های ت و ث ماده ۱ و ماده ۷ این آیین نامه و بندهای آن) در پایگاه های اطلاع رسانی منجر به ارسال گزارش از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کارگروه تعیین مصادیق پایگاه های غیرمجاز اینترنتی (مرکب از وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی، اطلاعات، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دادگستری) به منظور مسدودسازی پایگاه اطلاع رسانی خواهد شد».

نکته جالب تفاوت ترکیب این کارگروه با «کمیته تعیین مصادیق پایگاه های اطلاع رسانی رایانه ای غیرمجاز» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که رئیس سازمان صداوسیما، نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی و نماینده سازمان تبلیغات حذف و وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزیر دادگستری جایگزین شده است.

خامساً در ماده ۹ این آیین نامه، رسیدگی به فعالیت غیرمجاز پایگاه اطلاع رسانی ثبت شده، با توجه به نوع و آثار آن و همچنین حسب شدت و ضعف آن، به سه شکل ذیل می باشد: الف- تذکر رسمی به مسئول پایگاه های اطلاع رسانی نسبت به حذف داده یا داده های ممنوع و جبران آن مانند اصلاح یا عذرخواهی ب- ارسال گزارش به کارگروه تعیین مصادیق پایگاه های غیرمجاز اینترنتی با تقاضای مسدودسازی پایگاه اطلاع رسانی برای مدت محدود یا تعطیل دائمی. پ- مسئولان پایگاه های اطلاع رسانی ثبت شده که به دلیل تخلف مسدود شده اند، می توانند درخواست تجدیدنظر خود را برای بررسی در کارگروه یاد شده به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه کنند.

در این آیین نامه چندین نکته قابل استنتاج و تحلیل است:

۱. در این سند، تصمیم عجیب و غیرمتعارف گرفته می شود و آن تعیین نظام ثبت برای تأسیس وبگاه های اینترنتی است. بر اساس این مصوبه، هرکس می خواهد وبگاهی داشته باشد که در ایران قابل دسترس باشد، باید مشخصات درخواستی را در سامانه ای ثبت می کرد و اگر این کار صورت نمی گرفت، آن وبگاه پالایش می شد. در نقد این تصمیم باید گفت که اولاً تعیین این نظام حقوقی تأسیسی در حوزه خدمات دهندگان محتوا، اقدامی غیرمرسوم و غیرمتعارف در جهان است و محدود کشورهایمانند چین بر این اساس عمل می کنند. ثانیاً به دلیل ماهیت همگرایی در

اینترنت و همگرایی در عمل ارتباط میان فرستنده و گیرنده، عملاً میلیون‌ها انسان به‌عنوان فرستنده و ارتباطگر در این فضا مشغول به ارسال پیام هستند و مجبور کردن آنها به ثبت اطلاعاتشان عملاً کاری غیرممکن است. مزیداً به دلیل جهانی بودن اینترنت وبگاه‌هایی که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند و زبانشان فارسی است خود را مقید به ثبت نمی‌دانند. در عمل نیز اجرای این بخش از آیین‌نامه با شکست مواجه شد.

۲. تصمیم عجیب‌تر دیگری که در این آیین‌نامه اتخاذ شده و از نظر حقوقی مورد اشکال جدی است، تعیین تشکیلاتی با عنوان «کارگروه تعیین مصادیق پایگاه‌های غیر مجاز اینترنتی» به‌عنوان مرجع پالایش است. این کارگروه با ترکیبی متفاوت از اعضای «کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز» که پیش از این بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفته بود، تعیین شد. این تفاوت در حالی است که هم بر اساس تصریح این قانون به تبعیت از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی نباید این آیین‌نامه با قوانین بالادستی در تعارض باشد که در مورد ترکیب کارگروه این مورد رعایت نشده است.

۳. اما دو نقطه قوت نیز در این آیین‌نامه وجود دارد: اول آنکه، در جهت رعایت مراتب نهی از منکر، امکان ارائه تذکر به مسئول یک وبگاه ثبت شده پیش از مبادرت به پالایش برای اولین بار در یک سند حقوقی رسمی دیده شده؛ دوم آنکه، فرایند تجدیدنظر و اعتراض به پالایش نیز برای وبگاه‌های ثبت شده در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده است.

۴. درنهایت، می‌توان گفت که آنچه که به‌عنوان ثمره این قانون در حال حاضر می‌توان رصد کرد، دو عرصه است: اول آنکه جلوگیری از پالایش غیرمترقبه یک وبگاه توسط کارگروه از طریق ثبت آن در سامانه <http://www.samandehi.ir> ذیل وزارت ارشاد است. توضیح بیشتر آنکه، اگر کسی بخواهد پیش از پالایش وبگاهش به او تذکر داده شود، داوطلبانه خود را در سامانه مربوطه ثبت می‌کند. دوم آنکه، لزوم

ثبت و بگاه‌های پالایش شده به‌عنوان پیش‌شرط رفع پالایش علاوه بر حذف محتوای غیرمجاز از روی وبگاه است. در فرایند فعلی کارگروه تعیین مصادیق، اگر وبگاهی درخواست رفع پالایش را داشته باشد، باید در سامانه مذکور وزارت ارشاد، مشخصات خود را ثبت کند.

۲-۹- تصویب قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸)

سال ۱۳۸۸ را باید نقطه عطف تاریخی در طراحی الگوی حاکمیتی و حقوقی پالایش فضای مجازی دانست. اتفاقی که در این سال افتاد تصویب قانون «جرائم رایانه‌ای» توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ بود. اگرچه این قانون غالباً درصدد تعیین جرائم و مجازات‌های حوزه فضای مجازی بوده؛ اما در بخشی هر چند اندک به مقوله پالایش پرداخته است. اهمیت این قانون در آنست که مرجع قانونی تعیین‌کننده فرایند، ضوابط و ساختار کلان پالایش فضای مجازی کشور تا به امروز است.

با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای، سند «تشکیل کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز» که پیش از این اصلی‌ترین سند مرجع و تعیین‌کننده رگولاتور این حوزه بود، نسخ شد^۱ و عملاً این قانون جایگزین آن سند گردید و مرجع حقوقی پالایش شد. این قانون که درمجموع ۵۶ ماده دارد در مواد سه‌گانه ۲۱، ۲۲ و ۲۳ و ذیل فصل ششم (مسئولیت کیفری اشخاص) به مقوله پالایش فضای مجازی پرداخته است.^۲ در این مجال تلاش می‌شود که این مواد و تبصره‌های آنها، توصیف، تحلیل و نقد شود.

در ماده ۲۱ و دو تبصره آن چنین آمده است:

۱. در ماده ۵۶ قانون جرائم رایانه‌ای چنین آمده است: «قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی است».

۲. در ۱۳۹۰/۵/۲ با توجه به الحاق خبرگزاری‌ها و نشریات الکترونیک به قانون مطبوعات، هیئت وزیران آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات را اصلاح کرد و بر اساس این اصلاحیه در ماده ۴۴، امکان صدور دستور پالایش را به هیئت نظارت بر مطبوعات داده است. البته بعداً این مواد با توجه به چالش میان هیئت نظارت و کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، توسط دیوان عدالت اداری ابطال شد: ماده ۴۴- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است در صورت اعلام هیئت نظارت بر مطبوعات مبنی بر توقیف، لغو پروانه یا دستور پالایش (فیلتر) موقت، بلافاصله خبرگزاری را پالایش (فیلتر) نماید.

«ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کمیته تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل، محتوای مجرمانه اعم از محتوای ناشی از جرایم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای به‌کار می‌رود را پالایش کنند. در صورتی که عمداً از پالایش محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره «۱»: چنانچه محتوای مجرمانه به تارنماهای مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آنها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضائی رسیدگی‌کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان وب تارنما مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش نخواهد شد.

تبصره «۲»: پالایش محتوای مجرمانه موضوع شکایت خصوصی با دستور مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده انجام خواهد شد.

طبق این ماده و تبصره‌های آن:

- بین خدمات‌دهندگان دسترسی و خدمات‌دهندگان میزبانی (که در ماده ۲۳ به آنها پرداخته است) از حیث مسئولیت حقوقی تفکیک می‌شود. این تفکیک دارای منطق است و در جاهای دیگر همچون اتحادیه اروپا چنین تفکیکی صورت گرفته است.
- خدمات‌دهندگان دسترسی در سطح اجرایی موظف به پالایش بوده؛ بنابراین مجری هستند. سؤال مهم و اساسی آنست که منظور از خدمات‌دهندگان دسترسی چیست؟ در پاسخ باید گفت که در ظاهر، عنوان «خدمات‌دهندگان دسترسی» عنوان عام برای

بازیگرانی است که زمینه دسترسی کاربران به اینترنت را فراهم می‌کند؛ بنابراین در عمل می‌تواند تأمین‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و عرضه‌کنندگان اینترنت را در برگیرد؛ اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که احتمالاً منظور قانون‌گذار از خدمات‌دهندگان دسترسی همان «واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت» یا «رساها» و نه «ایجادکننده نقطه تماس بین المللی» است. دلیل این امر نیز دو نکته است: اول آنکه اگر بنا بود ایجادکننده نقطه تماس بین‌المللی نیز منظور باشد تعیین مجازات سخت، اساساً با توجه به ماهیت حاکمیتی آن، خیلی معنا ندارد. دوم آنکه در بخش تعیین مجازات، مشخص شده که اگر ترمرد عمدی از دستور پالایش توسط خدمات‌دهنده دسترسی صورت گیرد، منحل می‌شود. این در حالی است که اگر در شمول خدمات‌دهندگان دسترسی، شرکت ارتباطات زیرساخت نیز قرار بگیرد، انحلال آن در صورت ترمرد به معنای قطع شدن کل اینترنت کشور است که امری محال به نظر می‌رسد؛ بنابراین می‌توان گفت که عنوان خدمات‌دهندگان دسترسی انصراف به رساها دارد.^۱

- رگولاتور این حوزه «کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه^۲» است که در ماده ۲۲ ساختار آن مشخص شده است. از نظر قانون این کمیته یا کارگروه دو کار انجام می‌دهد: ۱- تعیین ضوابط فنی پالایش و ۲- تهیه فهرست مقرر محتوای مجرمانه. همان‌طور که مشاهده می‌شود دو ساحت کلی محتوای پالایش و شیوه پالایش، توسط کارگروه تعیین می‌شود. اینکه چه فهرستی باید تهیه شود یا اینکه چه ضابطه‌ای باید قرار داده شود؟ توسط این قانون تعیین نشده و به خود کارگروه سپرده شده است.
- محتوای مجرمانه در این ماده به دو قسم می‌شود:
 - محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای
 - محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای بکار می‌رود.
- در بخش تعیین مجازات عدم پالایش محتوای مجرمانه توسط خدمات‌دهندگان

۱. اهمیت این مباحثه از آن جهت است که در عمل بعدها پالایش صرفاً در نقطه تماس بین‌المللی اعمال شد که می‌تواند مورد خدشه حقوقی قرار گیرد.

۲. این کمیته امروزه تحت عنوان «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» شناخته می‌شود.

دسترسی، بین عمدی بودن و سهوی بودن تفکیک شده است. طبیعی است که عمدی بودن، مجازات سنگین‌تری دارد و منجر به انحلال و باطل شدن مجوز خدمات‌دهنده دسترسی می‌شود. سهوی بودن نیز که با لفظ بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی آمده، ناظر به سه مرتبه است که دو مرتبه اول از جنس جرمه نقدی و مرتبه سوم، یک تا سه سال تعطیلی موقت را به دنبال خواهد داشت.

- تبصره اول، جهت تشویق و تسهیل فعالیت تارنماهای حاکمیتی و احراز هویت‌شده در نظر گرفته شده و می‌توان گفت که جزء موارد مترقی این قانون است. در این تبصره گفته شده که اگر هویت یک تارنما مشخص بوده و امکان ارتباط با آن وجود داشته باشد، پیش از اقدام به پالایش که می‌تواند تبعات جدی منفی برای تارنما داشته باشد، این تسهیل فراهم شده که با اطلاع دادن به مالک تارنما، محتوای مجرمانه توسط او به شکل فوری حذف شود. البته این امکان در جایی است که هویت مالک تارنما نزد مقام قضائی محرز باشد و از این طریق امکان ارتباط به شکل تلفنی یا پست الکترونیکی و ... جهت اطلاع‌رسانی وجود داشته باشد. از همین روست که بر اساس آیین‌نامه ساماندهی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی که پیش از این معرفی شد، تارنماها می‌توانند خود را در samandehi.ir ثبت کنند و پس از آن از این امکان بهره‌مند شوند. سیاست در نظر گرفته شده در این تبصره چند مزیت دارد: اول آنکه، خدمات‌دهندگان محتوا را تشویق به ثبت وبگاه و ... خویش می‌کند و پایگاه داده‌ای خدمات‌دهندگان محتوا یک بانک اطلاعاتی مهم و قابل تحلیل است. دوم آنکه، حذف محتوا توسط خود ارتباطگر امکان دور زدن پالایش را به صفر می‌رساند. سوم آنکه، بین تولید داخلی و بومی محتوا و نوع خارجی آن تفکیک ایجاد می‌کند و نوعی حمایت از تولید داخلی در عرصه محتوایی به حساب می‌آید. چهارم آنکه، خدمات‌دهندگان محتوا به ویژه در عرصه اقتصادی را از گزند تبعات منفی پالایش مصون می‌دارد.
- تبصره دوم نیز بر یک استثناء مهم دلالت دارد و آن اینکه کارگروه تعیین مصادیق تنها به محتوای مجرمانه‌ای می‌پردازد که جنبه عمومی دارد و آنچه که مربوط به

حریم خصوصی افراد است^۱، جزء وظایف این کارگروه تلقی نمی‌شود و مجرای پالایش آن از طریق مقام قضائی رسیدگی‌کننده به شکایت خصوصی است؛ بنابراین امر پالایش به شکل غالبی و کلی توسط کارگروه صورت می‌پذیرد و استثنائاً در مواردی که جنبه مجرمانه محتوا، شخصی و خصوصی است با دستور مقام قضائی مربوطه صورت می‌گیرد.

اما در ماده ۲۲ و سه تبصره آن چنین آمده است که:

«قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صداوسیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضائی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کمیته را تشکیل خواهند داد. ریاست کمیته به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

تبصره ۱- جلسات کمیته حداقل هر پانزده روز یکبار و با حضور هفت نفر عضو دارای حق رأی رسمیت می‌یابد و تصمیمات کمیته با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- کمیته موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش شده رسیدگی و نسبت به آنها تصمیم‌گیری کند. رأی کمیته قطعی است.

تبصره ۳- کمیته موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه‌گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

بر اساس این ماده و تبصره‌هایش:

• دبیری کارگروه تعیین مصادیق به عهده قوه قضائیه و به‌طور خاص دادستانی کل

۱. مگه آنکه تجاوز به حریم خصوصی، تبعات اجتماعی مانند نقض عفت عمومی و ... را به دنبال داشته باشد که کارگروه تعیین مصادیق ورود می‌کند.

کشور است؛ چراکه، اولاً مکان آن در دادستانی است و ثانیاً رئیس آن دادستان کل کشور است. البته این تصمیم استناد حقوقی هم دارد و آن ماده ۵۶ قانون اساسی است که قوه قضائیه را مسئول اصلی پیشگیری از جرم می‌داند و پالایش به‌عنوان یک تدبیر پیشگیرانه وضعی در دایره مسئولیت این قوه قرار دارد.

- اگرچه دبیرخانه کارگروه در قوه قضائیه است؛ اما ترکیب اعضای آن فواقوه‌ای است؛ بلکه گفته خواهد شد که قوه مجریه در آن جنبه غلبه دارد. بر اساس این ماده، کارگروه ۱۲ نفر عضو دارد که از این تعداد، شش نفر از قوه مجریه (۱-وزارت آموزش و پرورش، ۲-ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۳-دادگستری، ۴-اطلاعات، ۵-علوم، تحقیقات و فناوری، ۶-فرهنگ و ارشاد اسلامی)، یک نفر از قوه قضائیه (دادستان کل کشور)، دو نفر از قوه مقننه (۱-کمیسیون صنایع و معادن و ۲-کمیسیون حقوقی و قضائی) و سه نفر نیز از نهادهای زیر نظر ولی فقیه (سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صداوسیما، نیروی انتظامی) می‌باشند. البته بعداً با این استدلال که در کمیته پیشین پالایش، نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی عضو بوده است، با موافقت رهبری نماینده شورا نیز به کارگروه تعیین مصادیق ملحق شد؛ بنابراین می‌توان گفت که کارگروه در حال حاضر ۱۳ عضو دارد.
- تشریفات کارگروه بدین نحو تعیین شده است که هر ۱۵ روز یک بار جلسه گذاشته شود که با ۷ نفر رسمیت یافته و هر موضوع با رأی اکثریت نسبی و نه مطلق تصویب می‌شود.
- نکته خوبی که در این قانون آمده و در اسناد پیشین نبود، مسئله رسیدگی به شکایات است که مسئولیت آن را به عهده کارگروه گذاشته است و به یک معنا، کارگروه را موظف به رسیدگی به شکایات و ایجاد مجاری شکایت کرده است. البته رأی کارگروه را نسبت به شکایات قطعی و غیرقابل تجدیدنظر دانسته است.
- از مزایای دیگر این قانون که سبب مسئولیت‌پذیری و شفافیت بیشتر کارگروه می‌شود، ارائه گزارش‌های شش ماهه به رؤسای قوا و شورای عالی امنیت ملی در خصوص روند پالایش محتوای مجرمانه است.

در ماده ۲۳ نیز چنین نگاه شده است:

«ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کمیته تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضائی رسیدگی‌کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سیستم‌های رایانه‌ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای دستور کمیته یا مقام قضائی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیراین‌صورت، چنانچه در اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره— ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه مراتب را به کمیته تعیین مصادیق اطلاع دهند».

بر اساس ماده ۲۳ و تبصره‌اش:

- ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی که علی‌القاعده در داخل ایران مستقرند و ملتزم به رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران هستند، بایستی نسبت به دستور کارگروه تعیین مصادیق یا مقام قضائی (در شکایت خصوصی) تابع باشند و از دسترسی به محتوای مجرمانه اجتناب کنند. طبیعی است که اقدام خدمات‌دهندگان میزبانی از جنس حذف کردن است و این مزیت را دارد که امکان دور زدن پالایش را منتفی می‌کند.
 - مجازات تعیین‌شده برای ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی عیناً مانند خدمات‌دهندگان دسترسی است.
 - نکته‌ای که در مورد ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی نسبت به خدمات‌دهندگان دسترسی مضاعفاً مطرح می‌شود مسئولیت بیشتر آنها در قبال محتوای مجرمانه است که به علت دسترسی بیشتر به محتوای مجرمانه و امکان آگاهی یافتن بیشتر از محتوای مجرمانه است. بر این اساس، در صورت آگاهی نسبت به محتوای مجرمانه، موظف به اطلاع‌رسانی به کارگروه تعیین مصادیق هستند.
- در یک جمع‌بندی از قانون جرائم رایانه‌ای می‌توان گفت که این قانون دارای نقاط قوت

و ضعف قابل توجهی است. از جمله نقاط قوت آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ورود مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری اصلی کشور؛
 - فراقوه‌ای بودن ترکیب کارگروه تعیین مصادیق؛
 - تذکر پیش از پالایش؛
 - تفکیک ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی و میزبانی از یکدیگر؛
 - مشارکت بخش خصوصی در پالایش؛
 - ماهیت قضایی یافتن کارگروه تعیین مصادیق.
- اما در کنار نقاط قوت این قانون، نقاط ضعفی نیز بر آن وارد است که از آن جمله به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:
- ابهام در فرایند اعمال مجازات؛
 - غلبه داشتن قوه مجریه در کارگروه تعیین مصادیق؛
 - ضرورت افزودن نماینده شورای عالی فضای مجازی؛
 - امکان اجرایی نداشتن فرایند تهیه فهرست با تشکیل جلسات؛
 - مسکوت ماندن ماهیت و ثمره گزارش‌دهی؛
 - لزوم تغییر مرجع دریافت گزارش به شورای عالی فضای مجازی؛
 - شائبه تجاوز به حریم خصوصی ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی؛
 - مسکوت ماندن تشریفات شکایت و اعتراض؛
 - ابهام در چگونگی تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی؛
 - خلأ سیاست‌گذاری در جهت تصویب قانون مستقل پالایش فضای مجازی.

جمع‌بندی

از مجموع تاریخ‌نگاری و تحلیل حقوقی ارائه شده از تنظیم مقررات پالایش می‌توان جمع‌بندی ذیل را ارائه کرد:

۱. دغدغه پالایش اینترنت از بدو ورود آن به ایران مدنظر بوده و مرکز تحقیقات فیزیک نظری به‌عنوان اولین متصدی راه‌اندازی اینترنت در ایران همزمان از سامانه خارجی webSense استفاده کرده است.

۲. اولین سند حقوقی رسمی کشور که سخنی از پالایش به میان آورده است، سندی جالب، پیشرو و قابل توجه است. در سند راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور مصوب شورای عالی اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۷۷ بر سه نکته تأکید دارد: ۱- اولویت سیاست‌های تشویقی بر سیاست‌های تنبیهی مانند پالایش در سالم‌سازی فضای مجازی؛ ۲- قانون‌مند بودن روش‌های نظارت و کنترل و عدم سلیقه‌گرایی در این عرصه و ۳- چندسطحی و چندلایه بودن اینترنت. بسیار جالب است که اولین سند حقوقی رسمی، به هیچ‌وجه پالایش اینترنت را خلاصه و محدود به پالایش ملی و حاکمیتی و به شکل متمرکز نمی‌داند و در کنار آن بر پالایش در سطح رساها و از همه مهم‌تر پالایش به شکل داوطلبانه توسط خانواده‌ها تأکید دارد و در این زمینه حاکمیت را ملزم به ارائه خدمات کرده است. این در حالی است که پس از ۱۷ سال از تاریخ تصویب این سند و تا الان (سال ۱۳۹۷) حاکمیت ورود جدی در سطح سوم یعنی خانواده‌ها نداشته و در برهه‌ای پالایش در سطح رسا را پیگیری کرده و در برهه‌ای دیگر صرفاً بر پالایش متمرکز در نقطه تماس بین‌المللی تأکید کرده است.

۳. سند حقوقی مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۰ را به‌عنوان یک سند مهم و تأثیرگذار در شیوه پالایش ارزیابی می‌شود. این سند اولاً نقطه تماس بین‌المللی را انحصاری تعریف کرده و آن را متمرکز در حاکمیت نموده است. این تدبیر و تمهید، مقدمه مهمی در هدایت پالایش به سمت پالایش حاکمیتی، ملی، متمرکز و تک لایه بوده است. یعنی آنجایی که به‌واسطه اجبار حقوقی این امکان فراهم شده که کل زیرساخت و ساختار ورود اینترنت به ایران متمرکز شود، عقل حکم کرده که پالایش نیز متمرکز در همین ساختار و نقطه شود و در عمل نیز همین اتفاق افتاده است. ثانیاً در این سند، بر فهرست کردن نام دامنه و همچنین پورت تأکید دارد. علی‌القاعده همان‌طور که در متن این سند آمده است پالایش ناظر به حوزه دسترسی کاربران و نه تولید و توزیع محتوا می‌باشد. ثالثاً در این سند نوعی عقب‌گرد نسبت به سند پیشین از جهت جامع‌نگری داریم

به‌طور که پالایش، دو لایه‌ای (نقطه تماس بین‌المللی و رساها) دیده شده و اساساً پالایش در سطح کاربران مورد غفلت می‌باشد و این در حالی است که در قسمت ج آن به‌طور مفصل به کافی‌نت‌ها به‌عنوان بخش کاربری اینترنت پرداخته شده است. رابعاً مقوله پایش و ثبت اطلاعات کاربران به شکل رسمی و قاعده‌مند در این سند تکلیف شده است.

۴. اما شاید نقطه عطف پالایش از حیث رگولاتوری، مدیریتی و ساختاری آن را باید تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی در تشکیل کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز در سال ۱۳۸۲ دانست. این تصمیم سبب شده که بخش قابل توجهی از سردرگمی مجریان امر پالایش در اینکه اولاً چه چیزی را و ثانیاً چگونه پالایش کنند تا حدی برطرف شود و مرجع واحد و متمرکز این امر مشخص شود.

۵. نقطه کانونی دیگری که از حیث فنی، امنیتی و کارآمدی اهمیت دارد، تصمیم حاکمیت در سال ۱۳۸۳ در جهت بومی‌گرایی در طراحی و اجرای سامانه‌های پالایش در کشور بود. این امر از چند جهت اهمیت داشت: اولاً ورود یک فناوری دانش‌بنیان به کشور بود که می‌توانست کارکردهای دیگر در حوزه‌های گوناگون داشته باشد از جمله در بحث موتور جستجوی بومی. ثانیاً ارتقای کارآمدی پالایش را از جهت سازگاری بیشتر با زبان فارسی فراهم می‌کرد. ثالثاً خواسته شده بود که امکان اعمال پالایش در پروتکل‌ها و لایه‌های مختلف وجود داشته باشد و منحصر به پروتکل http نباشد و رابعاً امکان برخورداری سامانه‌های بومی از پایگاه داده واحد وجود داشت و این امر به وحدت رویه رساها کمک می‌کرد.

۶. اما قانونی که به کلی در عرصه اجرا در پالایش مهجور است و اگرچه ظاهراً ارتباطی به آن ندارد؛ اما شامل تصمیم‌های مهم و جالبی است، قانون گسترش راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴ بود. آنچه برای این مقاله قابل استنتاج است، به کارگیری پسوند هوشمند برای اولین بار در ادبیات پالایش در ایران است؛ اگرچه متن به هیچ عنوان منظور خویش را از آن مشخص نمی‌کند. سه نکته دیگر نیز در این متن مورد تأمل است: اول آنکه به مقوله

پایش پسینی عملکرد و رفتار مصرف کاربران در حوزه اخلاق توجه شده است، موردی که پیش از این در اسناد دیگر مغفول بوده است. دوم آنکه، بر برخورد فنی و کیفی با عرصه تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان محتوای غیرمجاز تأکید دارد و این عرصه‌ای است که شاید تا الان به‌طور بایسته و شایسته به آن توجه نشده است و سوم آنکه، یک بار دیگر وظیفه حاکمیت را در عرصه پالایش خانگی از طریق ارائه نرم‌افزارهای ارزان قیمت گوشزد می‌کند که تا به امروز تحقق نیافته است.

۷. نکته جالبی که در آیین‌نامه تأمین، توزیع و عرضه خدمات اینترنت و اینترنت ملی مصوب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات در سال ۱۳۸۵ وجود داشت، ارائه یک تعریف رسمی حاکمیتی از پالایش در یک سند حقوقی برای اولین بار بود. این تعریف از چند جهت آموزنده است: اولاً اصل پالایش را ناظر به حوزه دسترسی می‌داند و نه توزیع. ثانیاً آنچه که پالایش می‌شود را تارنما می‌داند که بیان دیگر همان نام دامنه‌ها است. ثالثاً مقوله حذف را صرفاً در حوزه محتوای ناخواسته دانسته و در آن سخنی از محتوای خواسته شده مجرمانه به میان نیامده است که ضعف آن تلقی می‌شود.

۸. تصویب آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌های پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی توسط هیئت دولت در سال ۱۳۸۵ نمونه جالب و یک تجربه آموزنده از شکست یک تصمیم حاکمیتی به دلیل عدم توجه به ماهیت یک رسانه است. همان‌طور که گفته شد در این متن، نظام ثبت را برای تأسیس رسانه در اینترنت به رسمیت شناخته و وبگاه‌های ثبت نشده را تهدید به پالایش کرده است، بدون آنکه به ماهیت همگرای اینترنت توجه کند و امکان اجرایی بودن آن را محک بزند. در عمل نیز هیچ‌گاه این مصوبه به‌طور کامل اجرایی نشد و تنها در مورد وبگاه‌های پالایش شده به‌عنوان یکی از شروط رفع پالایش به کار گرفته شد.

۹. تصویب قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، آخرین تصمیم کلان حاکمیتی و آن هم در سطح ملی است که تعیین‌کننده ساختار رگولاتوری پالایش فضای مجازی در ایران است. در این قانون تلاش می‌شود که ساختاری فراقوه‌ای برای تصمیم‌گیری در حوزه پالایش طراحی و اعمال شود، تدبیری که در عمل به غلبه قوه مجریه در

تصمیم‌سازی بدل شده است.

درنهایت آنکه، جهت یافتن ذهنیت روشن و واضحی از مهم‌ترین وقایع و اقدامات در

حوزه پالایش، شکل ذیل ارائه می‌شود:



منابع و مأخذ

جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۶). *تأملی بر فیلترینگ (اقدام پیشگیرانه از جرایم رایانه‌ای)*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین، جلد ۳.

شرکت امن‌افزارگستر شریف (۱۳۸۷). «وضعیت و چالش‌های حقوقی پالایش اینترنت در سطح ملی و بین‌المللی» در گزارش پروژه مطالعه، طراحی و تدوین نظام پالایش

ارتباطات اینترنتی کشور، تهران: مرکز تحقیقات مخابرات، فاز یک، جلد دو، گزارش دو. شرکت امن‌افزارگستر شریف (۱۳۸۷). وضعیت موجود ارتباطات اینترنتی و پالایش آن در کشور. در گزارش پروژه مطالعه، طراحی و تدوین نظام پالایش ارتباطات اینترنتی کشور، تهران: مرکز تحقیقات مخابرات، فاز یک، جلد یک، گزارش یک. فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر ششم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴). ایران در چهارکجهکشان ارتباطی، تهران: سروش. هادی‌فر، داود (۱۳۸۹). نهادهای حقوقی تنظیم مقررات. ساختار و سازوکار اجرایی، تهران: عترة نو.

قوانین و مقررات:

آیین‌نامه تأمین، توزیع و عرضه خدمات اینترنت و اینترنت ملی، مصوب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، ۱۳۸۵.

آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌های پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی، مصوب هیئت دولت، ۱۳۸۵.

تشکیل کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز، مصور شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲.

راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور، مصوب شورای عالی اطلاع‌رسانی، ۱۳۷۹.

سیاست‌های کلی نظام در بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، مصوب رهبری، ۱۳۷۷. قانون جرائم رایانه‌ای، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

قانون گسترش راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴. مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۰.

Costello, Robert B. (1992), *Random House Webster's College Dictionary*, New

- York: Random House Ins.
- Greenfield, Paul & Rickwood, Peter & Tran, Huu Cuong(2001), Effectiveness of Internet filtering Software Products, CSIRO.
- Summers, Della(2008), *Longman dictionary of contemporary English*, Essex: Pearson.
- Wehmeier, sally(2005), *oxford advanced learner's dictionary of current English*, Oxford: Oxford university press, 7th edition.